

# الدَّرس الخامس

## أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١ ظاهری ٢ محلی ٣ تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١ اصلی ٢ فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

### اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟
- « اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر ناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محل» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده و

معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ.      رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ.      نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.  
 نَجَحَ ذَلِكَ.      رَأَيْتُ ذَلِكَ.      نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع



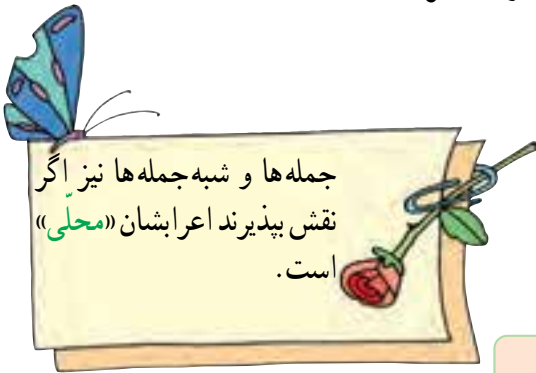
به این دو عبارت توجه کنید

– کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

– آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟



– آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



## اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در  
جمله دارند، ...  
ثابت است ○ متغیّر است ○

کلمات معرب کلماتی  
هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :

بنتُ

هي

کتابي

هؤلاءِ

القاضي

تلكَ

الفتى

● می دانیم که «الفتى» اسمی معرب است. حال اعراب «الفتى» را در جملات زیر  
تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاءَ الْفَتَى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جر را

نپذیرفته است؟

برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

### مهم‌ترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

#### اسم مقصور

اسمی است معرب که به الف ختم شود مانند: دنیا، کبری

رفع: جاء الفتی  
نصب: رأیْتُ الفتی  
جر: سَلَّمْتُ على الفتی

فاعل، مرفوع تقدیراً  
مفعول به، منصوب تقدیراً  
مجرور به حرف جرّ تقدیراً

اعراب  
در هر سه حالت اعراب  
تقدیری دارد

#### اسم منقوص

اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود مانند: قاضی، هادی

رفع: حَضَرَ القاضي  
نصب: شاهدتُ القاضي  
جر: مررتُ بالقاضي

فاعل:  
منصوب با فتحه  
مجرور به حرف جرّ

اعراب  
در دو حالت رفع و جر اعراب  
تقدیری دارد

#### اسم مضاف به یاء متکلم

اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده «ی» اضافه شود. مانند: صدیقی

رفع: هذا کتابی  
نصب: قرأتُ کتابی  
جر: القصةُ في کتابی

مرفوع تقدیراً  
مفعول به  
تقدیراً

اعراب  
در هر سه حالت اعراب  
تقدیری دارد



در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.  
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصور،  
منقوص، مضاف به یاء متکلم).

# اعراب اسم

مبني

معرب

محلی

تقدیری

ظاهری

شامل

- ۱- ضمائر
- ۲- اسم موصول
- ۳- اسم اشاره
- ۴- اسم استفهام
- ۵- اسم شرط
- ۶- عدد مرکب

فرعی

اصلی

مقصود

در هر سه حالت  
جاء الْفَتَى  
رَأَيْتُ الْفَتَى  
سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى

منقوص

در دو حالت رفع و جرّ  
جاء القَاضِي  
رَأَيْتُ القَاضِي  
سَلَّمْتُ عَلَى القَاضِي

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت  
جاء مَعْلَمِي  
رَأَيْتُ مَعْلَمِي  
سَلَّمْتُ عَلَى مَعْلَمِي

مثنی

«الف» در حالت رفع  
«یاء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع  
«یاء» در حالت نصب و جرّ

اسماء خمسہ

«واو» در حالت رفع  
«الف» در حالت نصب  
«یاء» در حالت جرّ

جمع مؤنث سالم

در حالت نصب

غیر منصرف

در حالت جرّ

رفع وَأَنَّ

جاء المَعْلَمِ

نصب بِ

رَأَيْتُ المَعْلَمِ

جرّ بِ

سَلَّمْتُ عَلَى المَعْلَمِ

محلاً مرفوع

هَذَا كِتَابٌ

محلاً منصوب

قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ

محلاً مجرور

سَلَّمْتُ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ

## يا إلهي

يا إلهي يا إلهي  
إجعل اليوم سعيداً  
واملاً الصدر انشراحاً  
يا إلهي أنت عؤني  
نور العقل وقلبي  
واجعل التوفيق حظي  
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ  
و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ  
و فَمِي بِالْبَسَمَاتِ  
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ  
بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ  
و نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

## الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :  
أُرِيدُ مُعَلِّمًا حَازِقًا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْتَ ؟  
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ <sup>١</sup> .  
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذْنُ أَحْضَرَهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .  
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .  
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِسًا عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَ لَدَاهُ <sup>٢</sup> .  
- هَلْ وَ لَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ ؟

١- هو أديبٌ ملتزمٌ كان يعيشُ في العصرِ العباسيِّ و هو كانَ مُحبًّا لأهلِ بيتِ رسولِ الله (ص)

٢- تُحَدَفُ النونُ مِنَ الْمُشْتَى وَ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :  
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَذَيْنِ وَأَبِيهِمَا .  
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ .  
فَفَازَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟

٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟

٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟



التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخطُّ ثمَّ أجب عما طُلب منك :

المثال :

﴿ هُوَ عَالِمُ الْعَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ﴾

١- ﴿ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا ﴾

٢- ﴿ أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ ﴾.

٣- إِحْتَرِمَ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

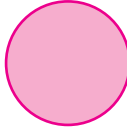
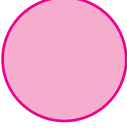
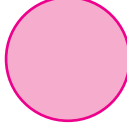
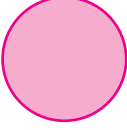
سبب البناء

إعراب

ضمير

مبتدأ و

مرفوع محلاً



التمرين الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخطُّ :

١- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى ﴾

٢- ﴿ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ ﴾

٣- ﴿ الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ ﴾.

٤- ﴿ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ ﴾

٥- ﴿ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ﴾

مبتدأ و مرفوع  
تقديرًا

مجرور تقديرًا

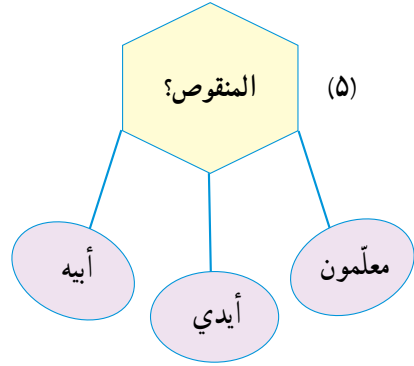
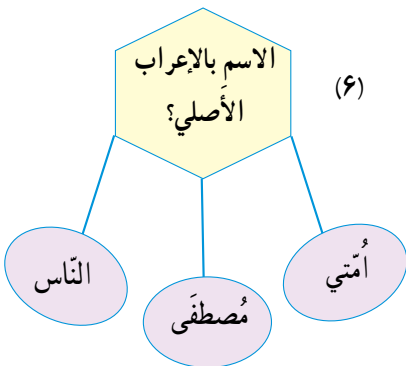
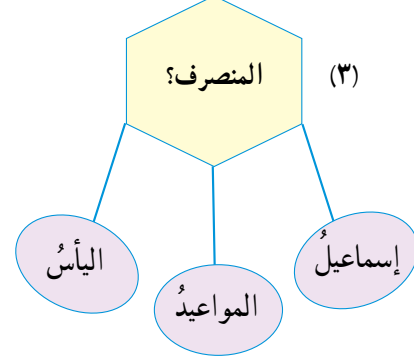
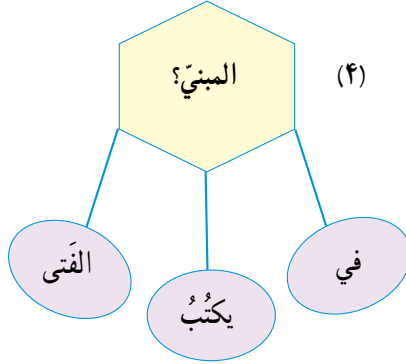
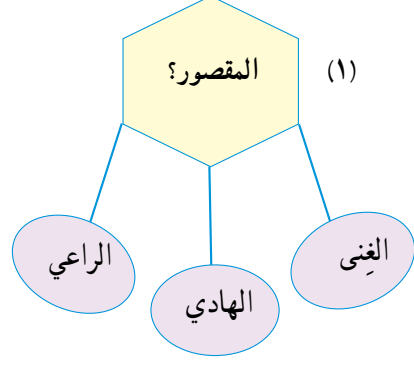
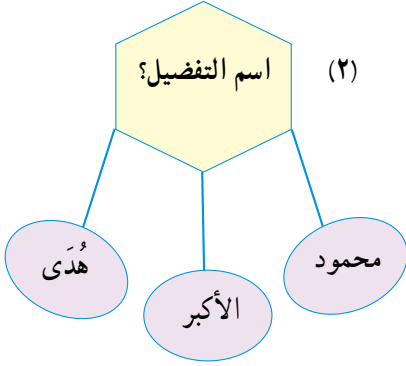
مفعول به و  
منصوب بالفتحة

مفعول به و  
منصوب تقديرًا

مجرور تقديرًا

## التدريب الثالث

إنتخب الصحيح من كلِّ شكلٍ و اجعله في المكان المناسب :



قال الإمام عليّ (ع) : ..... ١ ..... ٢ ..... ٣ ..... ٤ ..... ٥ ..... ٦

للتعريب

امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش آموز در مدرسه برگزار می شود.
- چرا آن روز را روز دانش آموز می نامیم؟
- روز دانش آموز، روز شهادت گروهی از دانش آموزان است.
- دانش آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش آموزان است.
- آیا می دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است<sup>۱</sup>.

أَغْرِبُ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِحَطِّ :

۱- ﴿ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ﴾

۲- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده : آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت : مراسم التکریم، برگزار می شود : تَنَعَّقِدُ، می نامیم : نُسَمِّي، شهادت : استشهاد، گروهی : جمع، جماعة، آینده کشور : مستقبل البلاد، وظیفه : وظیفه، واجب، درس خواندن : الدَّرَاسَة، ساختن : بناء، میهن : وطن

برای ترجمه متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.

فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند :

الف) برحسب ریشه : در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی

آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به‌عنوان مثال برای

یافتن «استَعَلِمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند :

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعَلِمَ : پرسید، جوایای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف : در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب

قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند :

استَعَلِمَ : پرسید، جوایای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

إقرأ العبارة ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسیة بعبارة مألوفة :  
\* الصبرُ صبرانِ صبرٌ على ما تَكَرَّهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند :

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)